

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی انسان شناختی سبک زندگی طلاب برنامه نویس

سؤالات مصاحبه

• معرفی

- ۱- لطفاً خودتان را معرفی کنید؟ (نام/سن/محل تولد/مقطع تحصیلی حوزه/گرایش علمی)
- ۲- آیا تحصیلات دانشگاهی هم دارید؟ در چه رشته ای و چه مقطعی؟
- ۳- چگونه برنامه نویسی را آموخته اید؟ آیا در این زمینه دارای تحصیلات دانشگاهی هستید؟
- ۴- در این زمینه دارای چه تخصص های می باشید؟
- ۵- تاکنون چه محصولاتی تولید کرده اید؟

مجموعه این اطلاعات فردی را می توانید در نشانی <http://info.movashah.ir> بیابید.

• طلبگی و برنامه نویسی

- ۶- در شروع یا ادامه این تخصص هنگام طلبگی، جنبه مالی را در نظر داشته اید یا ثمرات فرهنگی و تبلیغی؟

هیچکدام را، و اصلاً قصد نداشتم در طول دوره تحصیل حوزوی هیچ فعالیت برنامه نویسی انجام دهم. اما ضرورتی پیش آمد و دیدم چاره نیست. برنامه نویس ها به شدت طماع بودند و هدف شان از ورود به عرصه های اسلامی، کسب درآمدهای میلیونی بود. وقتی دیدم چه وضعی پیش آمده و چگونه آخوندهای بی اطلاع از عرصه نرم افزار را فریب می دهند و سرکیسه می کنند، خونم به جوش آمد. ابتدا وارد برنامه نویسی شدم، ولی دیدم مگر چقدر می توانم بنویسم؟ این شد که عرصه مشاوره را ترجیح دادم. روحانیون و مراکز و مؤسسات حوزوی را راهنمایی می کنم تا از شر بعضی برنامه نویس های پلید نجات دهم. بنده خدا چهار

صفحه معرفی مرکز خود را می‌خواهد بگذارد روی اینترنت، پول یک پورتال را از او می‌گیرند!

وضع بسیار اسفناکی بود روزی که وارد این کار شدم. آن اوایل خیلی وقت گذاشتم برای خدمت به چنین مؤسسه‌ای، بعد که دیدم رئیس مؤسسه خودمان استاد سرکیسه کردن مؤسسات دیگر است و برای یک نرم‌افزار، ده برابر پول می‌گیرد، آن‌جا را رها کردم!

دنبال درآمد و مسائل مالی هم بحمدالله نبودم که محتاج این چیزها هم نگذاشت خداوند بشوم. اما همچنان مشتاق کمک کردن به مجموعه‌هایی هستم که نیاز به یاری دارند، متصل‌شان کنم به برنامه‌نویسان صالح و پاکدامن و غیرحریص به دنیا.

۷- آیا پرداختن به این گونه فعالیت‌های تخصصی را در مسیر رسالت‌های طلبگی خود می‌دانید؟

قطعاً خیر. هیچ توجیهی ندارد که یک طلبه به کاری غیر از تحقیق و تدریس و تبلیغ پردازد. بنده هم به عنوان خدمتگزار محققین، مدرسین و مبلغین عمل کرده‌ام و از ثواب عمل آنان بهره برده‌ام. که هر لحظه دیدم در عرصه این خدمتگزاری، دیگرانی هستند که مشغولند، کفایت که شده، رها کردم و به تکلیف خود پرداختم.

۸- تحصیلات و بینش حوزوی، چقدر در تولیداتان به شما کمک کرده است؟

بی‌تردید آثار بزرگ و غیرمعمول و شگفت در تقاطع‌ها پدید می‌آیند، جایی که چند دانش با هم تلفیق شوند. مثلاً فیزیک با شیمی یا روانشناسی با الکترونیک. محصولات نرم‌افزاری هم می‌تواند از بینش حوزوی بهره برد، همان گونه که فعالیت‌های حوزوی از بینش نرم‌افزاری بهره‌های وافر برده است.

اما این تعامل در انحصار این یک راه نیست که برنامه‌نویس همان حوزوی باشد! کافست سازوکاری فراهم شود که برنامه‌نویس و حوزوی در کنار هم کار کنند و هر یک اندیشه خود را در محصول تأثیر دهد. اگر زبان یکدیگر را بشناسد و گفتگو کنند، تعامل دو بینش در یکدیگر میسر خواهد بود.

۹- آیا برنامه‌نویسان غیر طلبه از عهده کار شما بر نمی‌آید؟

بر می‌آیند و برآمده‌اند. به شرط آن که انصاف داشته باشند و به خوبی راهنمایی کنند. اگر تقوا داشته باشند و در پیشنهادات خود به کارفرما و مشتری جاده انصاف در پیش گیرند، قطعاً بسیار هم بهتر می‌توانند عمل نمایند.

۱۰- آیا این کار مزاحم برنامه‌های مطالعاتی حوزوی شما نبوده است؟ چگونه زمان خود را در تقسیم بین این دو فعالیت مدیریت می‌کنید؟

بوده است و بنده از این بابت متأسفم. اما به جنبه اخروی آن که می‌نگرم، پشیمان نیستم. اگر این فضاها را نمی‌گسترديم و به یاری مراکز حوزوی نمی‌شتافتیم، اگر ظرفیت‌سازی نمی‌کردیم و به فرهنگ‌سازی همت نمی‌گماشتیم، امروز وضع این طور پر رونق و خوب و شتاب‌دار به سوی توسعه فن‌آوری‌های اطلاعات نبود. آغاز این ظرفیت‌سازی هم با طلبه‌های بزرگوارى مانند آقای طالب‌پور و شبیری و سمیعی و آناهید و دیگرانی بود که اولین مؤسسه آموزش رایانه را در قم تأسیس کردند (طلوع) و طلبه‌ها را آموزش دادند. طلبه‌های مدرسه رضویه وارد این فضا شدند و زمام کار را به دست گرفتند. اگر سال ۱۳۶۸ آن اتفاقات مبارک در قم نمی‌افتاد امروز ما این چنین قدرتمند در عرصه نرم‌افزار نبودیم و ام‌القرای جهان تشیع هنوز از ابزارهای سنتی بهره می‌برد و از فن‌آوری اطلاعات و اینترنت بسیار دور بود.

۱۱- آیا با صرف این زمان در مطالعات حوزوی، نتایج بهتری حاصل نمی‌شد؟

مگر می توان تردید در این مطلب کرد. حتماً نتایج بهتری برای «شخص بنده» حاصل می شد و «خودم» به مقامات مادی و علمی بالاتری دست می یافتم. اما به تکلیف که نظر کنیم، «خودم» ملاک نیست. باید دید نتایج حاصله برای کل مجموعه هستی چقدر بوده است. همان میزانی که پروردگار اعمال ما را با آن می سنجد. اگر توانسته باشم ابزاری ایجاد کنم که هزاران طلبه بهتر درس بخوانند، بهتر تحقیق کنند و بهتر تبلیغ نمایند، من نتیجه بهتری تحصیل کرده ام، از این که خودم مجتهد شوم، مرجع تقلید شوم و عده ای را بخواهم به همت دانش خود هدایت نمایم.

مهم این است که هر کدام از ما سر جای خود باشیم. آن گاه که جاهایی را خالی دیدیم و کسی در آن پست مشغول خدمت نبود و تو می توانستی و نکردی، قطعاً معصیت خدای نموده ای و باید توبه کنی و استغفار نمایی. راه اجتهاد باز است و بسیاری مشغول تحصیل. اگر عده ای فضای خدمت نرم افزاری را پر نمی کردند، قطعاً و بی تردید خلأ آنان را امروز همگان احساس می کردند. اگر بیست سال پیش طلبه ها وارد این عرصه نمی شدند، امروز کاملاً عقب ماندگی حوزه از سایر نهادها در عرصه اینترنت و نرم افزار مشهود می بود که بحمدالله این گونه نیست و ما پیشتازیم. قسم به خدایی که جانم به دست اوست، پیشتازی حوزه علمیه و طلبه ها در عرصه اینترنت و نرم افزار بسیار شگفت انگیز است. روزی که ما در قم سایت اینترنتی می زدیم، جاوا اسکریپت می نوشتیم، روزی که مهندس فخری اولین نرم افزار قرآنی تحت ویندوز را در همین شهر قم نوشت و به نمایشگاه جیتکس برد و شگفتی آفرید، هنوز در کشور، اینترنت فهمیده نشده بود و محدود سایت هایی به زبان فارسی راه افتاده بود که ما در قم به زبان فارسی سایت زدیم.

روزی که ما در سایت خود چت اسکریپتی طراحی کردیم، هنوز هیچ سایتی در کشور نبود که یک چت نوشته باشد، حداکثر از ابزارهای خارجی استفاده می کردند، بسیار محدود. حقیقتاً پیشتازی طلبه ها در این عرصه قابل کتمان نیست. تا چند وقت پیش بهترین شرکت های

نرم افزاری نمی توانستند با بزرگان برنامه نویسی در قم رقابت نمایند. این را از روی اطلاع عرض می کنم، از شرکت در جلسات بسیار زیادی که در این زمینه داشته ام و حضور در همایش ها و گردهم آیی ها.

اگر دکتر مینایی به آمریکا نمی رفت و دانش داده کاوی را به حوزه علمیه نمی آورد، من و سایر پژوهشگران حوزوی چگونه به این سادگی می توانستیم روایات مشابهی را شناسایی کنیم که هر چقدر هم جستجو نمایی قابل ردیابی و یافتن نیستند. شگفت نیست که در جامع الاحادیث 3.5 می توانیم روایتی را که تنها ۶۰٪ شباهت دارد با روایت مورد نظر، به راحتی پیدا کنیم. من که حقیقتاً در شگفتم هنوز از این پروژه ای که ایشان به انجام رسانده. ببینید چند کتاب حدیثی و روایی را بدون دخالت دست، بدون مشارکت انسان، به صورت ماشینی اعراب گذاری کرده اند. به غیر از تلاش دکتر مینایی که اولاً و بالذات طلبه بوده است؟!

۱۲- آیا اصولاً ما به طلابی که دارای تخصص های نظیر تخصص شما هستند نیاز داریم یا می توان از متخصصین غیر طلبه استفاده نمود؟

نیاز داریم، زیرا در غیر طلبه ها دغدغه های حوزوی نمی یابیم. غیر طلبه ها معمولاً دغدغه مالی دارند. طبیعی هم هست. بازار است و هر چه کشش داشته باشد، نرخ بالاتر باشد، برنامه نویس ها هم به همان سمت می روند. اما فعالیت هایی هست که درآمدزایی اخروی دارند، نه دنیوی. اگر غیر طلبه ها نمی آیند، طلبه ها اگر احساس نیاز کنند، می توانند کوتاهی نمایند؟! اگر بتوانند باید دخالت کنند و تخصص یابند.

۱۳- آیا هنگام مشغولیت به این گونه فعالیت ها دچار نگرانی و عذاب وجدان بخاطر صرف وقت در این مسیر به جای فعالیت های رایج حوزوی نمی شوید؟

وقتی به سهم تأثیر خود در فعالیت های تحقیقی، تحصیلی و تبلیغی حوزه می اندیشم، هیچ احساس نگرانی ندارم و خدای خود را به این جهت شاکرم که توفیق عطا کرده، در این عرصه

خدمتگزار باشم. به شدت هم البته مشتاقم که هر عرصه‌ای که نیاز در آن برطرف می‌شود را واگذارم و به قلمرو فعالیت‌های حوزوی خود بیشتر نزدیک شوم.

• مواجهه دیگران

۱۴- معمولاً این تخصص خود را از دیگران پنهان می‌کنید یا علاقمندید دیگران متوجه این امر شوند؟

سایت شخصی بنده روی اینترنت است و بر همگان هویدا. هیچگاه هم نه کتمان کرده‌ام و نه پوشش داده‌ام. البته مثلاً فلان خویش و قوم درخواست کرد سایتی برای باشگاه ورزشی او تأسیس کنم، یا مثلاً برای بنگاه طبابت فلانی ابزاری بنویسم، البته که قبول نکردم. فعالیت خود را وقف حوزه کرده‌ام و همه مرتبطین این را می‌دانند.

۱۵- آیا برخورداری از این تخصص باعث ارتقای جایگاه طلبگی شما در میان خانواده و دوستان شده یا باعث تنزل؟

اگر چه مایل به بیان این مطلب نیستم، ولی به شدت سبب عزت شده است که نباید باشد. اطرافیان بسیار استقبال می‌کنند. نه فقط اطرافیان که حتی وقتی به تبلیغ می‌روم، فلان مدرسه، تا برای بچه‌های دبیرستانی صحبت می‌کنم، تا التفات برایشان حاصل می‌شود که فلان آخوند، اینترنت می‌داند که هیچ، طراح سایت است و برنامه‌نویس، آن‌چنان دوره‌ام می‌کنند که انگار - نعوذ بالله - رسول خدا (ص) را دیده‌اند. جامعه نسبت به آخوندهایی که دانش جنبی بدانند بسیار نگاه عزتمندانه‌ای دارد که البته بنده از این بابت بسیار ناراحت و نگرانم.

این نشان از سطح پایین ادراک اجتماعی ما دارد. نشان از این که سال‌ها تبلیغ نادرست و تهاجم فرهنگی غرب کار خود را کرده و مردم دانش حوزوی را بی‌ارزش می‌پندارند. گمان می‌کنند طلبه‌ای که فقط قال الصادق (ع) و قال الباقر (ع) می‌گوید تنبل است و بی‌سواد که چون هیچ مسیر دیگری برای حضور اجتماعی خود نیافته، به این ادبیات پناه برده است. پناه بر

خدا از این غفلت. همین غفلت خطر بزرگی برای جامعه ماست که از تنگه احد، از پشت چاقو خواهد خورد و قیچی خواهد شد. همین شده که بعضی با وارد کردن چند کلمه انگلیسی در گفتار خود، یا ذکر اصطلاحات فلان و فلان علم دانشگاهی، به دنبال کسب قدرت باشند و خودبه خود وارد عرصه پلید «عوام‌فریبی» شوند. ما دین دزدانی که لباس آخوندی هم دزدیده باشند کم نداریم. و بنده از این بابت بسیار برای جامعه خود بیمناکم.

۱۶- دوستان طلبه شما، در مواجهه با این تخصص شما چه نظری دارند؟

غبطه می‌خورند، افسوس. تشویقم می‌کنند و البته تنها رفیقانی که بسیار با من صادقند و امین من هستند، می‌گویند که ای کاش وارد این عرصه نمی‌شدی و اگر به تحصیل خود، آن‌گونه که آغاز کرده بودی ادامه می‌دادی، امروز تو را بر بالای فلان منبر می‌دیدیم و در فلان شبکه تلویزیونی نشانت می‌دادند.

برای هر دو گروه هم تأسف می‌خورم و نصیحت‌شان می‌کنم، برادرانه، که یاد داشتن چند زبان مسخره که با آن چند کد بی‌ارزش نوشته می‌شود که بر انسان هیچ اطلاعی نمی‌افزاید، هرگز ارزش نیست. نه دانستن آن فضل است و نه ندانستن آن عیب. آن‌چه مهم است ادای تکلیف است. اگر عرصه نرم‌افزار محتاج طلبه باشد، طلبه باید زندگی رها نماید. مثل انقلاب که چون محتاج طلبه‌ها شد، همه چیزشان را دادند و برای انقلاب فعالیت کردند. حتی اگر این فعالیت تکثیر نوار باشد یا پخش اعلامیه امام (ره). مهم ادای تکلیف است و لاغیر.

۱۷- نظر مسئولین و اساتید حوزه در مواجهه با فعالیت‌های نظیر فعالیت شما (ارتباط مستقیمی با فعالیت‌های حوزوی ندارد) چیست؟

در اولین ورودم به عرصه نرم‌افزار از استاد اخلاق خود اجازه خواستم. ایشان فرمود اگر کسی که شما را به این کار فراخوانده دعوت به خود کرده است، نپذیر، اما اگر دعوت به خدمت است، قبول کن.

علّت این که از ایشان کسب تکلیف کردم، این بود که قصد نداشتم هرگز در حوزه علمیه، به غیر طریق طلبگی کسب علم کنم و به کاری دیگر مشغول شوم. این فرمایش ایشان بنده را آرام کرد و سبب شد با قدرت کار را بگیرم و فعالیت در این عرصه آغازم.

۱۸- برخی از مشکلاتی که در این امر، در حوزه با آن رو برو بودید ذکر بفرمایید؟

نادانی عیب نیست. اما نفهمی عیب است. این دو واژه را در معانی متفاوتی به کار گرفته‌ام. با یک مثال شیرفهم تان می‌کنم. سال فلان بود (اگر بگویم معلوم می‌شود چه کسی مدّ نظر است که نمی‌خواهم غیبت او باشد) و فلانی مسئول در بخش فنی مرکز مدیریت حوزه علمیه. صف طولیلی ایجاد شد برای ثبت نام امتحانات و من هم در صف. وقتی دیدم از نرم‌افزار اکسل استفاده می‌کنند برای ثبت نام، به شدت مکدر شدم. زبان به اعتراض گشودم. آخوند پشت سری مرا به آرامش دعوت کرد با این بیان: «نگاه کن برادر، من و شما آخوندیم، چیزی سر در نمی‌اریم از نرم‌افزار. نگاه کن [موبایل نوکیاش را در آورد و نرم‌افزار منتخب میزان‌الحکمه را نشانم داد، همان که مهندس فخری تحت سیمین نوشته بود] این نرم‌افزار را دارالحديث نوشته است، ولی این جا یک حرف را به شکل مربع نشان می‌دهد. ببین، برنامه‌نویسی خیلی پیچیده است که حتی بهترین نرم‌افزارها هم چنین ایراداتی دارند! این‌ها خودشان می‌دانند باید چه کنند، سواد ما نمی‌رسد، در کارشان نباید دخالت کرد!» و من سکوت کردم.

بارها در زندگی حوزوی خود با این مشکل مواجه شدم. وقتی چیزی را نمی‌دانی اشکالی ندارد، ولی باید این قدر بصیرت داشته باشی که بفهمی سرت کلاه گذاشته‌اند یا نه. نمی‌شود نفهم بود و آن را نادانی دانست. اگر برنامه‌نویسی هم بلد نباشی، باید بدانی کسی که در عصر اینترنت، برای ثبت نام طلاب از یک نرم‌افزار صفحه گسترده استفاده می‌کند و ادعا می‌کند که خیلی کار شاقّی کرده و پول هم مطالبه کند، این کلاه سر شما گذارده، به فکر خدمت که نبوده! در اندیشه خیانت قدم زده.

از نفهمی‌ها خیلی زجر کشیده‌ام، ولی تلاش کرده‌ام آگاهی‌دهنده باشم. اگر خدا توفیق دهد.

مشکل دیگر درک ضعیف نسبت به ارتباط مسائل مالی با کیفیت کار است. وقتی هزینه را پایین می‌گیری، انگار باور نمی‌شود کار درست به انجام رسیده. فلان رفیق که ده برابر عادت دارد قیمت می‌دهد، کیفیت کاری که ارائه می‌کند هم بسیار روشن است در چه حدی است، به قیمت محک می‌زنند و گمان می‌برند چون پول بیشتر پرداخت کرده‌اند، آش بیشتری هم خواهند خورد. التفات ندارند که این پول زور است که از جیب‌شان رفته و کار، برتری نیافته.

و در نهایت هم بحران وثاقت است که البته الآن کمتر، ولی در ابتدای کار بیشتر با آن مواجه بودم. اگر اعتماد به تو نداشته باشند، هر چه کنی ثمری ندارد و راه نمی‌آیند و یاری نمی‌کنند. اما اگر اعتماد بر کسی بیابند، هر چه دروغ و دغل هم بپردازد، مطیع محض، انگار اصلاً متوجه نمی‌شوند دارد سرشان کلاه می‌رود، به آن گشادی. هر چه پند می‌دهی و تذکار که بابا این فرد اشتباه می‌کند و شما را به درد سر می‌اندازد، این نرم‌افزار ایراد دارد و مسیر حرکت شما را نادرست تنظیم می‌کند، انگار نه انگار، به او اعتماد دارند و هر چه بگویند چون وحی منزل می‌پرستند. این را نیز بسیار دیده‌ام، ولی ناامید نشدم، تا آن اعتماد را خود به دست آوردم و اکنون تلاش می‌کنم از این وثوق به باطل بهره نبرم.

۱۹- نظرات در مورد برخورد متضاد حوزه در این موضوع چیست: از یک سو حوزه، طلاب را از ورود به این عرصه‌ها منع می‌کند و از سوی دیگر برای رفع احتیاجات جدید خود سراغ این گونه افراد می‌رود؟

حوزه را یک تفکر واحد گرفته‌اید که دچار این مغلطه شده‌اید. حوزه هزار جور فرقه و نحله و باور و تفکر و اعتقاد دارد. اگر از پاره‌ای اختلافات جزئی صرف‌نظر نکنیم که باید بگوییم به عدد نفوس اساتید حوزه، تفکر وجود دارد! هر کدام هم راه خود را پیشنهاد می‌کند و مسیر خود را نشان می‌دهد.

این که گروهی نهی می کنند و گروهی تحریص و تحریک هم از همین بابت است. اما در این میانه هستند گروهی که خودمتناقض عمل کرده و می کنند. شاید شما آنان را در نظر دارید. کسانی که از یک سو نهی می کنند از ورود به این عرصه ها و از دیگر سو خودشان بهره می برند از همین افراد. مانند کسی که به علم خود عمل نکند، یا دکتری که سیگار را تحریم نماید و خود سیگاری باشد!

می دانیم و می دانید که همه حوزه را راست اندیشان پر نکرده اند، کژاندیش هم کم نداریم. نادان و غافل و گمراه و نفهم و البته جاهل به معنای مطلق کلمه هم بسیار هست. فردی که خلاف گفتار خود عمل کند، انسان جاهلی است که اگر به جهل بسیط دچار باشد، باید آگاه شود و اگر جهل مرکب دارد باید به خدا واگذارش کرد که از انسان ضعیف کاری ساخته نیست، جز تذکر و پند و اندرز.

۲۰- آیا حوزه برای طلاب علاقمند به ورود در این عرصه ها باید برنامه ریزی داشته باشد؟ چه برنامه هایی پیشنهاد می کنید؟

پیشنهاد کردم، در دولت مدیر سابق فن آوری اطلاعات مرکز مدیریت حوزه، که یک انجمن طلاب تأسیس شود. یک پاتوق که هر چه طلبه این کاره هست گرد هم بیاید. البته بیشتر منظورم مباحث اینترنتی بود، ولی برنامه نویسی ها هم می توانستند جایی داشته باشند. عرض کردم محلی در نظر گرفته شود مشابه یک باشگاه، یک هیئت، جایی که اعضا بتوانند آزادانه در هر ساعتی از شبانه روز بیایند و بروند و قدم بزنند و چای بنوشند و گفتگو کنند. و البته ایشان هم موافقت خود را ابراز کردند. اما پی گیری های بنده کم بود.

این امور نیاز به برنامه ریزی های مداخله گرانه ندارد. روندی است که خود به خود آغاز شده و به همین منوال به پیش خواهد رفت. مهم ارائه خدمات اطلاعاتی و ارتباطاتی به این افراد است. اینان باید یکدیگر را بشناسند تا بتوانند شرکت های مشترک تأسیس کنند، کنسرسیوم بزنند،

متحد شوند و انجمن‌هایی شکل دهند، تا از ره‌آورد آن قادر باشند پروژه‌های بزرگ را ساماندهی کنند. تا نشود مثل فلان پروژه که فلان مرکز آمده و کار پنج میلیون تومانی را داده یک شرکت با سی میلیون انجام داده، حالا سورش را هم نمی‌دهد، می‌گوید باید پول سورش را جداگانه بدهید. اکنون که طلبه‌هایی هستند که می‌توانند، اگر از پروژه‌ها مطلع باشند و با هم مرتبط، قطعاً می‌توانند بهتر به حوزه علمیه خدمت کنند. اگر چه وظیفه اصلی طلاب چیز دیگری است و فقط در دوران ضرورت مجازند به برنامه‌نویسی.

۲۱- با توجه به نیازهای جدید حوزه و نبود نیروی متخصص به اندازه کافی، آیا حوزه باید به تربیت نیرو در این زمینه پردازد (مثلاً ایجاد آموزشگاه و جذب و آموزش طلاب علاقمند)؟

تا کنون که پرداخته است، این همه طلبه داریم که وارد این عرصه شده و موفق هم بحمدالله بوده‌اند. حوزه اگر بتواند نظام آموزشی و پژوهشی و تبلیغی خود را به درستی مدیریت نماید، همه ما شکرگزار خواهیم بود. اصلاً وارد این عرصه‌ها نشود بسی بهتر و نیکوتر. سازوکار مدیریت درون مرکز آن چنان به هم پیچیده، فرسوده، در حال گسست و ناکارآمد است که بنده در مدت همکاری با این نهاد، هر لحظه در انتظار فروپاشیدن تمام این سامانه مدیریتی بوده‌ام و از سر پا ماندن آن به شگفتی آمده، حمد خدای کردم. چهار ماه حقوق برنامه‌نویسان خودشان را نتوانستند پرداخت کنند که به استعفای دسته‌جمعی مسئولین بخش فنی منجر شد، حالا بیايند در تربیت نیروی برنامه‌نویس داخل شوند.

همان‌طور که عرض شد، مهم‌ترین مطلب ارائه اطلاعات و ارتباطات است. این دو گزینه اگر ضمیمه شود به فضای آزاد برنامه‌نویسی، گمان نمی‌کنم بادی بتواند درخت تنومند برنامه‌نویسی در شهر مقدس قم را بلرزاند.

۲۲- آیا تاکنون با مراکز حوزوی در این زمینه، همکاری داشته‌اید؟ آیا همکاری‌ها موفقیت آمیز بوده است؟ معمولاً با چه مشکلاتی روبرو بوده‌اید؟

مشکلاتی که عرض شد؛ بیشتر مربوط به «خودنادران‌پنداری» حوزویانی که اقرار به «نادانی» می‌کنند، ولی از روی «نفهمی» قضاوت می‌نمایند. به علم برنامه‌نویسی جهالت دارند، اما رفتارشان گاهی آن‌چنان ابلهانه می‌شود که کاملاً آشکار از نپختگی و بی‌تجربگی نشأت می‌گیرد. شما علم معماری هم نمی‌دانید، آیا همان‌طور رها می‌کنید و بنای ساختمان را دست هر کسی می‌سپارید که بعد فرو بریزد؟ نه برادرم. ساده‌انگاری است که ضمیمه شده است به حبّ ذات. کبر که وارد ماجرا شود، آنان که گمان می‌کنند بیشتر می‌فهمند بیشتر از همه به ته‌لکه می‌افتند و در شیب سقوط قرار می‌گیرند.

• نتایج و فوائد این عرصه

۲۳- چقدر به کارکرد رایانه و محصولات مشتق از آن، برای پیشبرد اهداف فرهنگی و تربیتی اعتقاد دارید؟ لطفاً توضیح دهید؟

جای پرسش نیست. کافیت سر بچرخانید و به اطراف نظاره کنید. روزی که نرم‌افزار «نورالعترة» را دیدم، همان اولین نسخه جامع الاحادیث، قسم به خدایی که جانم را در دست دارد، آن چنان شور و شوق عجیبی سراسر وجودم را فرا گرفت که قادر به توصیف نیستم. هر که را می‌دیدم آگاه می‌کردم از این نرم‌افزار شگفت و آن تحوّل شگرف. پروژه‌های متعدّدی را هدایت کردم که از این نرم‌افزار استفاده شود به جای شروع از صفر و از کتب حدیثی.

همین نرم‌افزار «ریحانه» دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قرار بود از پایه بروند و جمع حدیث کنند. تلنگری زدم و این نرم‌افزار را نشان‌شان دادم، چند دوره آموزش برگزار کردم و پژوهشگران‌شان که توانستند با این نرم‌افزار کار کنند، تمام احادیث را از درون آن بیرون کشیدند و در موضوع مورد نظر گرد آوردند.

آن روز می‌گفتم اگر تا آخر عمرم هیچ نرم‌افزار دیگری در حوزه علمیه نبینم غیر از همین،
برایم کافیت که خدای را شاکر باشم و روز و شب حمد گویم. اما امروز تمام پیرامون ما
مشحون از این شگفتی‌هاست. جامع‌الاحادیث ۳.۵ را تا از جلسه معرفی‌اش بیرون آمدم
خریداری کردم. همین که آقای بهرامی فرمودند سیستم مشابه‌یابی را در آن به کار گرفته‌اند،
بسیار مشتاق شدم. اکنون هم پیوسته در حال استفاده از آن هستم و نمی‌دانم با کدام زبان
پروردگارم را ستایش نمایم که مرا در چنین روزگاری خلق کرد.

تردید نمی‌توان داشت که کاربردهای رایانه و اینترنت برای حوزه بسیار درخشان و پرشتاب و
فزاینده و مفید بوده است.

۲۴- آیا در این زمینه تجربه موفق‌ی داشته‌اید؟

چیز قابل‌عرضی نه. هر چه بوده همان تکالیفی بوده که انجام شده و امیدوارم مورد قبول
احدیت قرار گرفته باشد.

• سبک زندگی

۲۵- بیشتر طلبه هستید یا برنامه‌نویس؟

سعی می‌کنم بیشتر «عبد» باشم. او که راز عبودیت بداند، نیک می‌فهمد که تعبد نه به دفتر و
کتاب و درس و مدرسه است، نه به برنامه‌نویسی و نه حتی به منبر رفتن و تبلیغ. عبودیت به
اطاعت پروردگار است و خواست او را ارجح و برتر از خواست خود دانستن که حتی سجده
به خدا هم اگر با هوای نفس همراه باشد، عبادت شش هزار ساله ابلیس هم عبادت نخواهد
بود، نفس پرستی است. ظاهر عمل مهم نیست. باطن آن یعنی عبودیت است که ملاک ارزیابی
است. اگر امام خمینی (ره) می‌خواست همچون پاره‌ای از اسلاف خود، مسیر مرجعیت را پی
بگیرد و فقه و اصول خود را تدریس کند، تا به زعم دیگران «طلبه خوبی» باشد، هرگز این
انقلاب عظیم رخ نمی‌نمود.

در میخانه گشاید به رویم شب و روز که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم

راز این بیزاری در ترک عبودیت است. اگر طلبگی منافات با عبودیت داشت، بهتر که رها شود، باید که رها شود، واجب است رها کردن آن و به امر اهمّ پرداختن.

۲۶- چقدر در روز برای این کار وقت اختصاص می‌دهید؟

یکسان نیست. بستگی به کار دارد. به امر مطالعه خود مشغولم، تا سفارشی بیاید که شرایط پذیرش داشته باشد، وقتی قبول کردم، برنامه‌ریزی می‌کنم و در کنار سایر فعالیت‌ها می‌گنجانم. کاملاً با انعطاف و تغییرپذیر. برنامه‌ام خشک نیست که همیشه در گیر ساعت و دقیقه باشد.

۲۷- آیا این تخصص بر سبک زندگی طلبگی شما نظیر نوع پوشش، گفتار و رفتار شما تأثیری داشته است؟

بر پوشش نتوانسته، چه که پوشش روحانیت امری تقریباً استاندارد است و انعطاف زیادی ندارد. اما بر گفتار البته که تأثیر می‌گذارد، خواه‌ناخواه. اما از همه بیشتر بر تفکر تأثیر می‌گذارد. آن چنان که در همه امور نگاه انسان فنی‌تر می‌شود و الگوریتمی به جهان نگاه می‌کند. این تأثیر بسیار خوب و مؤثر عمل کرده، به گونه‌ای که حتی فرزندانم را هم که قصد تربیت دارم، در ذهنم روندهای تغییر رفتارشان را می‌بینم، در قالب الگوریتم‌هایی که می‌تواند مسیر صحیح را نشانم دهد. اساساً اگر همه زندگی را با نگاه برنامه‌نویسی بنگریم، خیلی از کارها بر انسان ساده می‌شود. چون تدریج را می‌فهمی و می‌دانی چگونه باید یک فرآیند طی شود. من حتی گاهی از خیابان هم ردّ می‌شوم، در ذهنم به الگوریتم ردّ شدن از خیابان اندیشه می‌کنم، بدون این که خود اراده کرده باشم و قصدی برای این معنا داشته باشم!

۲۸- آیا درآمدهای حاصل از اشتغال‌ات تخصصی، بر سبک مدیریت اقتصادی شما تأثیر گذاشته و نوع زندگی شما با دیگر طلاب در ظاهر متفاوت است؟

نه چندان. یعنی درآمد حاصله چنان نبوده که تأثیر نمایانی داشته باشد.

۲۹- آیا برنامه‌نویسان طلبه دارای ادبیات خاص به خود هستند؟

گمان نمی‌کنم. اگر بخواهند می‌توانند، اما طلب‌اصرار دارند که در چارچوب ساختار حوزویانه خود سخن بگویند! من نیز چون دیگران، وقتی در جلسات کارشناسی و برنامه‌ریزی نیستم، کاملاً طلبگی رفتار می‌کنم. مثالی عرض می‌کنم شاید مطایبه‌ای باشد و اسباب خنده و ادخال سرور در قلب دوستان: در صف شهریه آیت‌الله مکارم، گفتند انگشت بر این دستگاه بگذارید، تا اثرش بماند. دستگاه کوچکی بود برای ثبت اثر انگشت. یک آن احساس شوخ طبعی دست داد، پرسیدم: ببخشید، کجا باید انگشتم را بگذارم؟ جوان بنده خدا صفحه شیشه‌ای دستگاه را نشانم داد. باز پرسیدم: خُب فایده‌اش چیست من انگشتم را بگذارم اینجا. با متانت پاسخ داد: اگر روزی کارت شهریه همراه‌تان نبود می‌توانید با انگشت شهریه دریافت کنید! رها نکردم و با خنده پرسیدم: اگر این انگشتم زخم شود، چگونه شهریه بگیرم؟ جوان هم خنده‌اش گرفت: آن وقت حتماً با خودتان کارت شهریه‌تان را بیاورید! بی‌شک پس از رد شدن من از صف، جوان با خود پنداشته: با عجب طلبه‌های بیلمزی طرف هستیم ما...!

تلاش زیادی ندارم که تخصص خود را در سایر محیط‌ها ابزاری کنم برای تفاخر و زیاده‌گویی و می‌دانم که بسیاری از طلبه‌ها هم چنین هستند و به ادبیات فنی تنسک ندارند. این ابزار کار است، نه ابزاری برای کسب برتری و اعتبار اجتماعی.

۳۰- آیا هنگام خواستگاری، این تخصص خود را با همسر آینده‌تان مطرح کردید؟ اولین بار که متوجه این امر شدند، عکس‌العمل ایشان چه بود؟

پیش از آن می دانستند، چون پدر و برادرشان اطلاع داشتند. هیچ گفتگویی در این زمینه نشد و توجهی به این مطلب در بین نبود.

۳۱- با توجه به اینکه مقداری از کار شما معمولاً در خانه انجام می شود، نگاه همسر شما بر این کار چیست؟ آیا موجب اختلاف می شود؟

بیشتر کار بنده در خانه انجام می شود. از سال ۱۳۸۵ که دیگر سمت و جایگاهی در هیچ مؤسسه و مرکزی ندارم، کارهای پراکنده ای که واگذار می شود را در خانه انجام می دهم. تنها حضورم در مراکز برای جلسات توجیهی و کارشناسی است.

از لطف شما بسیار سپاسگذارم

پرسش های بسیار خوبی بود و سبب شد برای لحظاتی احساس کنم

هر چه در دل دارم می توانم بر زبان بیاورم.

موفق و مؤید و در پناه حق سلامت باشید؛

سیدمهدی موسوی موشح - ۱۳۹۱/۷/۱